

شماره	وزن	قصیده	غزل	ترجمه‌بند	ترکیب‌بند	قطعه	مسمط	فرد	قطعه مصرع	مثنوی کوتاه	قالب دیگر	جمع کل
۱	فاعلاتن ۳ بار - فاعلن	۸۳۲	۵۸۶۱	۷	۳۴	۳۶۸	۸	۴۲	۵۸	۱	۲۴	۷۲۳۵
۱۲۷	مفاعلاتن ۲ بار	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱
	جمع کل	۵۰۹۸	۳۴۴۴۱	۶۳	۲۰۵	۴۶۶۳	۹۸	۲۸۱	۵۱۷	۲۲۳	۲۹۴	۴۵۸۸۳

عنوان مقاله : نگاهی به مناسبات فرهنگی ایران و هند در ادوار کهن

نویسنده : فاطمه مدرسی

مآخذ : مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۱۴۱ تا ۱۴۵، ص ۷۶ و

بهار ۷۷، ص ۲۳۶ تا ۲۵۵

دو قوم ایرانی و هندی از تیره اقوام هند و اروپایی هستند. زبان آنها نیز خویشاوند و از زبانهای هند و اروپایی است. اساطیر و فرهنگ و آیین آنها با هم مناسبات و پیوندهای ژرفی دارد که اگر چه در اثر آمیزش با فرهنگ بومی تا اندازه‌ای تغییر پذیرفته و گذشت زمان هم در آنها تحولاتی پدید آورده و رنگی تازه بدان بخشیده است با این همه، هماهنگیها و مشابهتهای فراوان موجود میان آنها، حاکی از این است که هند و ایران از بنیانهای کهن مشترکی برخوردارند.

اساطیر و رسوم کهن هند و ایران که منشأ زبانی و نژادی واحدی دارند و نیز طوایف آریایی هند و ایران و محل و زمان زیستن و دین و مذهب و شعر و فرهنگ و آثار آنان از جمله موضوعاتی است که در این مقاله به آنها پرداخته شده است.

عنوان مقاله : روابط باستانی بین پاکستان و ایران و وجود شعر فارسی در لاهور

نویسنده : دکتر آغا یمین

مأخذ : ارسالی از خانه فرهنگ ج.ا.ا. در لاهور

این مقاله روابط فرهنگی و نژادی و ادبی باستان بین پاکستان و ایران را از هزاران سال پیش بررسی می‌کند و بخشهای مختلفی دارد:

- ۱- الف - نخستین فرهنگ پاکستان باستان پیش از تاریخ
- ۱- ب - ورود آریانها و روابط نژادی و فرهنگی بین دو کشور قبل از میلاد
- ۱- ج - عصر هخامنشیان و روابط سیاسی دو کشور
- ۱- د - عصر ساسانیان و روابط ادبی بین دو کشور پیش از اسلام
- ۲- الف - ورود اسلام به پاکستان باستان، نخستین فاتح لاهور از (تازیان) مسلمانان
- ۲- ب - اوضاع سیاسی و روابط ادبی بین دو کشور بعد از ظهور اسلام
- ۲- ج - اشتباه وجود زبان فارسی در سند و ازاله آن
- ۲- د - وجود زبان فارسی در مکران

و...

نویسنده در بخش «ساسانیان و روابط ادبی بین دو کشور» چنین آورده است: از قدیمیترین شواهد ادبی که روابط این دو کشور را در عصر ساسانی ثابت می‌کند داستانی از شاهنامه فردوسی است درباره بهرام گور و دختر راجه شنگل که فردوسی این قصه را با عنوان «نوشتن بهرام گور نامه به نزدیک شنگل شاه هند» در شاهنامه آورده است^۱

علاوه بر این داستان، بهترین دلیل تاریخی روابط قدیم دو کشور کتاب «کلیده و دمنه» از نوادر ادبیات ایران و پاکستان است.

در بخش «اوضاع سیاسی و روابط ادبی بین دو کشور بعد از ظهور اسلام» آمده است: بعد از استیلای عرب در پاکستان باستان و ایران در عصر خلیفه دوم، عربی

۱- فردوسی، شاهنامه، به اهتمام سعید نفیسی، ایران، مطبعه بروخیم، ۱۳۱۳، ج. ۷، ص ۲۲۱

که زبان فاتحان بود نه تنها در ایران به زبان پارسی استیلا کرده بود بلکه در سایر نقاط مفتوحه اسلامی، و بر همین سبیل در سند و دوشادوش زبان سندی رواج یافت. در نتیجه نه تنها زبان عربی زبان عمومی سندیان شد بلکه در آن ناحیه کار تصنیف و تألیف هم به زبان عربی ادامه داشت.

نویسنده در قسمت دیگر این بخش می‌گوید: «فی الجملة می‌توان گفت تا آن مدتی که عصر استیلای عرب در ایران و پاکستان باستان ادامه داشت، روابط سیاسی و ادبی بین مردمان این دو کشور همجوار منقرض می‌ماند. البته در عصر آل سبکتگین هیچ آثار فارسی چه در نظم و چه در نثر در هیچ گوشه این شبه قاره پاک و هند وجود نیافته است.

در بخش «اشتباه وجود زبان فارسی در سند و ازاله آن» آمده است بعضی مورخین تاریخ شعر و ادب فارسی پاکستان و هند معتقدند که زبان فارسی در این شبه قاره بعد از ورود محمد بن قاسم، مجاهد اسلام در سند (پاکستان) متداول شد؛ از جمله محمد عبدالغنی به دلیل اینکه محمد بن قاسم لشکر خود را از شیراز جمع‌آوری کرد و بیشتر لشکریانش از ایرانیان بودند، معتقد است که در آن زمان در ناحیه سند، زبان فارسی مسلماً رواج داشته است.^۱

بر همین اساس حافظ محمود شیرانی هم به نقل از سیاحان عرب قرن چهارم می‌گوید که در آن عصر در ملتان و منصوره زبان فارسی رواج داشته است.^۲ نویسنده مقاله در ادامه می‌نویسد: اشتباه مزبور از بیان یک مستشرق فرنگی (ای. ایچ ایتکن) به وجود آمده است و با نقل قسمتی از کتاب المسالک و الممالک استخری می‌گوید که زبان ملتان و نواحی آن عربی و سندی بوده است نه فارسی. نویسنده مقاله همچنین بر اساس شواهد تاریخی چنین مطرح می‌کند که زبان فارسی در سند تا قرن چهارم هجری حتماً ترویج نیافته بود. البته در ناحیه مکران که پیش از اسلام گاه در هند و گاه در سلطنت ساسانیان ایران بوده حتماً زبان فارسی نه تنها بعد از اسلام بلکه سالها پیش از اسلام گفته و فهمیده می‌شده است.

۱ - M.A.GHANI: pre Moghol persian in Hindustan (Allahabad), p.6

۲ - حافظ محمود شیرانی: پنجاب مین اردو (مرتبہ دکنر وحید قریشی)، لاهور کتاب نما ۱۹۶۳ع ص ۲

عنوان مقاله : اهمیت زبان فارسی در هند از دیدگاه فرهنگی و زبانشناسی
نویسنده : دکتر عبدالستار دلوی (پژوهشگر و زبانشناس هندی)
مآخذ : مقاله ارسالی از خانه فرهنگ ج.ا.ا. در بمبئی

در دوران باستان، هندوستان و ایران از نظر زبان و فرهنگ بسیار به یکدیگر نزدیک بودند. یکی از دلایل این امر «همجواری جغرافیایی» است. در عصر داریوش، هرات و قندهار که در شمال غربی هند واقع شده بود از شهرهای تحت حکومت ایران بود. در صدر اسلام از جانب ایران و اعراب، پیشرفتهایی در هندوستان آغاز شد و بدین دلیل فرهنگ و زبان فارسی و عربی تأثیرات عمیق خود را در این دوران بر جای گذاشتند. از آنجا که دو علم زبانشناسی و انسانشناسی با یکدیگر ارتباط دارند با ورود زبان فارسی، فرهنگ و ادبیات نیز وارد شد.

تأثیرات زبان و ادبیات عربی در هند در حقیقت از مجرای زبان فارسی صورت گرفته است؛ بنابراین به جای گفتن تأثیرات هر دو زبان عربی و فارسی در هند بهتر است صریحتر بگوییم تأثیرات فارسی بر هند.

از نظر زبانی، هند ایران و هند آریایی با یکدیگر در اصل و نسب خویشاوند هستند و بدین دلیل است که بین فارسی و سانسکریت نزدیکی عمیقی حاصل شده است به گونه‌ای که الفاظ و کلمات مشابه بسیاری به وجود آمد. تفاوتهایی که امروزه بین این دو زبان دیده می‌شود به علت هزاران سال جدایی از یکدیگر و پرورش یافتن در دو موقعیت مختلف جغرافیایی است.

تأثیرات زبان و ادبیات فارسی بر سرزمین هندوستان بسیار عمیق و به گونه‌ای است که شاید بتوان گفت در هند زبانی وجود ندارد که بی‌تأثیر از نفوذ فارسی مانده باشد؛ مثلاً در شمال هند، «هندی»، «اردو»، «پنجابی»، «کشمیری»، و «بنگالی» و علاوه بر آن زبانهای محلی دیگر از زبان و ادبیات فارسی تأثیر پذیرفته است. هم‌اکنون در این زبانها هزاران کلمه مشابه فارسی وجود دارد و نکته جالب اینکه گویندگان این زبانها احساس نمی‌کنند با مجموعه‌ای از الفاظ بیگانه صحبت

می‌کنند.

هنگامی که اندیشه جدا کردن کلمات فارسی از زبان مرآتی مطرح شد، دانشمندان مشهور و صاحب‌نظران، سخت با آن مخالفت کردند زیرا جدایی لغات فارسی و عربی از زبان مرآتی و گجراتی به تضعیف و از بین رفتن محاسن آن منجر می‌شود.

پیدایش زبان اردو هم منبعت از زبان فارسی است. آن هم اردویی که با زبان فارسی آمیخته است. زبان فارسی شاعران را نیز تحت تأثیر خود قرار داده به گونه‌ای که این زبان وسیله‌ای برای ترویج، نشر و محاوره غیر اردو زبانان شده است.

عنوان مقاله : فعالترین مترجم آثار فارسی به ازبکی

نویسنده : فتح‌الله غنی خواجه‌آف

مآخذ : نامه پارسی، س سوم، ش ۴ (زمستان ۷۷) ص ۹۰ تا ۹۵

محمد رضا فرزند ایرنیازیگ مشهور به آگهی یکی از برجسته‌ترین نمایندگان ادبیات کلاسیک ازبک در سده گذشته در محیط ادبی خوارزم است. او در سال ۱۲۲۴ هجری در دهکده‌ای از خیره خوارزم به دنیا آمد. آگهی خوارزمی آثار نوایی، فضولی و بیدل را مطالعه کرد و بعدها به شعرسرایی پرداخت. او با وجود فراوانی امور دولتی، فعالیت ادبی را ترک نکرد و دیوانی از اشعار خود فراهم آورد و به عنوان مترجم، آثار ادیبان و مورخان کشورهای مختلف را به ازبکی برگرداند. از جمله آثاری که او به ترکی برگردانده گلستان سعدی، یوسف و زلیخا و بهارستان جامی، شاه و گدای هلالی، هفت پیکر نظامی، قابوسنامه، زبدة الحکایات، اخلاق محسنی، بدایع الوقایع واصفی، زبدة التواریخ، روضة الصفاى ناصرى اثر رضا قلیخان هدایت، تاریخ جهانگشای نادری، روضة الصفاى خواندمیر و... است.

دیوان آگهی خوارزمی تعویذ العاشقین نام دارد که از دو بخش اشعار ازبکی و فارسی تشکیل یافته است. اشعار فارسی او شامل غزلیات، رباعیات و ماده تاریخ و مجموعاً ۱۳۱۷ مصرع می‌شود. او بیشتر پایبند و پیرو اندیشه‌های فلسفی و

غزلسرای شاعرانی چون سعدی، جامی، بیدل و امیری، و البته تحول و نوپردازی نیز از خصوصیات او بود.

عنوان مقاله : بررسی نقش آموزش زبان فارسی در تبیین فرهنگ ایران اسلامی

نویسنده : حمید محمد خانی

مآخذ : فصلنامه آموزش زبان و ادب فارسی، س دوازدهم، ش ۴۷ (تابستان ۱۳۷۷) ص ۴۲ تا ۴۶

بعضی از زبان‌شناسان، زبان را نوعی رفتار تلقی می‌کنند و معتقدند زبان هر موجود نیز مانند رفتار او در پاسخ به انگیزه‌های محیطی قابل بررسی است و این انگیزه نگرش خاصی در قالب زبانی خاص به فرد ارائه می‌کند.

نگرش افراد جامعه از فرهنگ آن جامعه ناشی می‌شود و با مطالعه دقیق هر زبان می‌توان به آداب، رسوم، طرز فکر و فرهنگ هر قوم دسترسی پیدا کرد. به همین دلیل روانشناسان، حفظ فرهنگ و انتقال آن را از مهمترین وظایف زبان می‌دانند.

با مطالعه آثار گذشتگان، درمی‌یابیم که بینش مردم ایران از دیرباز مذهبی بوده است و آنان پس از پذیرفتن دین اسلام سعی در معرفی آن به وسیله زبان و قلم داشتند. آن بخش از زبان فارسی که تاکنون این وظیفه خطیر را بر عهده داشته، ادبیات فارسی است که به دلیل تأثیر مثبتی که مدتهای طولانی در اذهان خوانندگان یا شنوندگان داشته است، ما آن را «ارتباط مؤثر» می‌نامیم.

فرهنگ هر قوم نشانه هویت و شناسنامه تاریخی و اجتماعی اوست. برای انتقال پیام فرهنگ ایرانی اسلامی به چهار عامل اصلی نیاز داریم:

ابتدا «پیام دهنده» که در زمان ما می‌توان از روشنفکران متعهد اعم از شاعر و نویسنده و روحانی و معلم نام برد. سپس وسیله «فرستادن پیام» که در این بحث «زبان فارسی» است و هر کلمه و ترکیب آن، دنیایی مفهوم و معنی در خود نهفته دارد. «هدف» سومین عامل مؤثر در انتقال پیام است که در این مبحث زنده نگاه